



ظرفیت‌شناسی شیعیان اسماعیلی در تعامل با تشیع اثناعشری

سید محمد مهدی جعفری^۱

چکیده

اسماعیلیه گروهی هستند که پس از رحلت امام صادق (ع) در سال ۱۴۸ قمری بوجود آمدند. ظرفیت‌های تعاملی میان امامیه و شیعیان اسماعیلی، با دو رویکرد تاریخی و معاصر قابل بحث و بررسی است. در رویکرد تاریخی، مولفه سیاسی و حاکمیتی، مولفه های علمی و فکری-فلسفی از جمله مهمترین مولفه‌هایی هستند که باید مورد بررسی قرار گیرند. در دوره معاصر، پس از درگذشت المستنصر بالله، انشعاب بزرگی درون فاطمیان بوجود می‌آید و اسماعیلیه به دو دسته نزاریان و مستعلویان تقسیم شدند. نزاریان در نقاطی همچون شام، یمن، ایران، ماوراءالنهر، شبه قاره هند، کنیا، تانزانیا و اوگاندا مستقر شدند. در ایران، نزاریان طی سده‌ها، به صورت سنتی در کنار شیعیان امامی به گونه مسالمت آمیز زیسته اند. این مسئله، بستری مناسب جهت یگانگی فرهنگی، زبانی و پیوندهای تاریخی بر پایه میراث مشترک زبان فارسی میان ایرانیان امامی مذهب و اقلیت‌های اسماعیلی به وجود می‌آورد.

واژگان کلیدی: شیعه، اسماعیلیان، نزاریان، مستعلویان



پس از رحلت امام صادق علیه السلام در سال ۱۴۸ق. انشعاب بزرگی از شیعه امامیه به وجود آمد که بعدها اهمیت بیشتری یافت. اسماعیلیان هرچند همچون امامیه، امامت را به نص می‌دانستند، ولی درباره سلسله امامان پس از امام صادق علیه السلام با دیگر پیروان آن حضرت دچار اختلاف شدند. این جریان با محوریت فرزند بزرگ امام، اسماعیل که در حیات پدر از دنیا رفته بود، پا گرفت و حیات نسبتاً مستقل خود را از نیمه قرن دوم آغاز کرد. این جریان شیعی که گاه در ابتدای شکل‌گیری خود حمایت بسیاری از اصحاب ائمه علیهم السلام را با خود داشت، علی‌رغم گفتمان ویژه‌اش در مواجهه با مسائل عقیدتی و سیاسی در طول تاریخ، به دلایلی از جمله اختلافات فکری، تفاسیر مختلف از نصوص دینی، جاه‌طلبی برخی رهبران و اختلاف در جانشینی دچار انشعابات گوناگون شد. آنها موفق شدند به موازات ساماندهی چارچوب‌های آغازین منظومه فکری خود، به عنوان یک فرقه شیعی در مغرب، مصر و شمال آفریقا خلافت باشکوه و پهناور «فاطمی» را ایجاد کنند. همواره ممکن است این‌گونه گمان شود که وقتی بحث از ظرفیت‌های تعاملی امامیه و شیعیان اسماعیلی به میان می‌آید، بدون نظر داشت تحولات تاریخی، باید به سراغ زمینه‌ها و بسترهای تعامل در دوران معاصر رفت. اما نوع روابط و مناسبات کنونی در پیوند با تحولات تاریخی بوده و در پرتو آن ارزیابی و بازتعریف می‌شود. از این رهگذر، مؤلفه‌هایی که به عنوان زمینه و ظرفیت‌های تعامل دو گروه از شیعیان می‌تواند مورد توجه قرار می‌گیرد با دو رویکرد تاریخی و معاصر بررسی می‌شود.

۱. رویکرد تاریخی

مقصود از این رویکرد، مجموعه رفتارها، اقدامات و روابطی است که می‌تواند تا اندازه‌ای به مثابه یک ظرفیت و به طور روشن‌تر ابزاری برای الگوگیری و اقتباس آگاهانه شیعیان امامی از شیعیان اسماعیلی قرار بگیرد.

۱-۱. مؤلفه سیاسی و حاکمیتی

سبعیه یا اسماعیلیان پس از جدایی از شیعیان امامیه، به ایجاد شبکه‌های تبلیغی با عنوان «الدعوة الهادیة» دست زده و با کوشش‌های «ابوعبدالله شیعی» و پس از گریز از مرکز خلافت سرزمین‌های شرقی (بغداد)، در آفریقای شمال آفریقا توانستند در سال ۲۹۷ق. به طور رسمی نخستین دولت شیعی را که عنوان خلافت بر خود داشت، توسط «عبیدالله مهدی»



در رقاده بنیان گذارند (نک: ابن اثیر، الكامل في التاريخ: ۴۴/۸-۴۸؛ العیون والحدائق، ۲۱۹/۴؛ ابن عذارى، البیان المّغرب في أخبار الأندلس والمغرب: ۱۴۹/۱-۱۵۰). بدین ترتیب در جهان اسلام به طور همزمان سه دستگاه خلافت متقارن شکل گرفت؛ عباسیان در بغداد، فاطمیان در مصر و امویان در اندلس. فاطمیان در اثر زلزله و افول تدریجی نفوذ عباسیان از اوایل سده چهارم، ابتکار عمل را در دست گرفته و توانستند دامنه قلمرو و پهنه خلافت شیعی را نه تنها در مصر و شمال آفریقا، بلکه در برهه‌ای به سراسر شامات و حتی مناطق یمن توسعه دهند. نوع زمامداری، مبانی اندیشه سیاسی حاکم، کوشش برای مشروعیت بخشی به گفتمان شیعی خلافت، تشکیلات و مراتب اداری و دیوان سالاری و نوع روابط و مناسبات اسماعیلیان فاطمی با دیگر دولت‌های محلی و خاندانی معاصر خود، به خصوص دولت‌های شیعی همچون حمدانیان حلب، دولت بنومرداس، سامانیان عهد امیرنصر سامانی و دیلمیان آل بویه و حفظ توازن قوا در کنش با آنها در طی ۲۷۰ سال را می‌توان زمینه تاریخی و کهن‌الگوی ((archetype) نظامات سیاسی شیعیان امامیه معاصر (به ویژه در چارچوب گفتمان نظام ولایت فقیه) به شمار آورد. همچنین نوع مواجهه با خلافت عباسی و اسماعیلیان نظری الموت در ایران با دولت سنی سلجوقی از این رهگذر قابل ارزیابی و مطالعه است.

۲-۱. مؤلفه‌های علمی و فکری - فلسفی

هویت آغازین شیعی و میراث چشم‌گیر مشترک این دو فرقه، به ویژه با رویکردهای خردگرایانه، تأویلی و باطنی در برابر ظاهرگرایی نظام سنی، بستر داد و ستدها و وام‌گیری‌هایی را میان امامیه و تعلیمیان اسماعیلی (نک: الأنساب سمعانی، (ذیل مدخل: تعلیمی) و تبصرة العوام في مقالات الأنام للشيرازي الآبي، ص ۷۶) اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت. علی‌رغم پرهیز سنتی اسماعیلیان نزاری^۱ ایران از حدیث و علوم وابسته به آن و در مقابل، توجه به خردورزی و نص‌گریزی، آثار و جوامع حدیثی مهمی در دستگاه اسماعیلیان فاطمی مصر شکل گرفت که در بردارنده اصول، احادیث و اسامی قدیم شیعی بود و در آثار قاضی نعمان مغربی (قاضی القضاة فاطمیان (۳۶۳ق)) همچون شرح الاخبار، دعائم

۱. مراد از نزاریان، پیروان نزار، فرزند ارشد المستنصر بالله، هشتمین خلیفه فاطمی است که امروزه پس از شیعیان امامی مذهب دومین جامعه پرجمعیت شیعی را تشکیل داده و نماینده و رهبر معنوی فعلی ایشان امروزه کریم آقاخان (چهل و نهمین امام نزاریه) است.



الاسلام و کتاب التوحید (شامل خطبه‌های ناموجود در نهج البلاغه) و دیگر عالمان و نظریه‌پردازان نمود یافت. اسماعیلیان نزاری ایران که به انگیزه نفوذ هرچه بیشتر در بدنه جامعه ایرانی، بیشینه متون علمی فلسفی خود را به فارسی نوشته و در این راه اصرار می‌ورزیدند، بیشتر تولیدهای فکری و عقیدتی خود را با رویکرد باطنی و تعبیری به صورت نظم و نثر فارسی نوشتند. آثار ناصر خسرو (۴۶۳ق) همچون شرح قصیده فلسفی ابوالهیثم جرجانی، زاد المسافرین، وجه دین و جامع الحکمتین (که توفیق و الفتی میان حکمت دینی و حکمت یونانی بوده) را باید نمودی از این کوشش‌ها دانست که بعدها توسط پیروان وی، یعنی ناصریان تخارستان رواج و گسترش یافت و در دستگاه‌های کلامی و فکری دیگر از جمله امامیه مورد بهره‌برداری قرار گرفت. از قدهتم به بعد، صوفیان یکی از علاقه‌مندان و متقاضیان آثار و متون منظومه تأویلی - اشاری اسماعیلیان شدند و علی‌رغم باور به شستن اوراق دفتر، در تبیین برخی مفاهیم صوفیانه برای مریدان خود این آثار را بسان دستینه‌های همواره همراه ایشان می‌شمردند. از نقطه نظر آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی و مقالات و باورهای هر یک، محمد بن عبدالکریم شهرستانی (۵۴۸ق) که یکی از متفکران نامدار اسماعیلی است، می‌توان نام برد که کتاب الملل و النحل او اگر نه یگانه‌متن، بلکه از پربسامدترین مصادر کلامی و فرقه‌شناختی مورد استفاده شیعیان امامی، به ویژه حلقه شاگردان علامه حلی علیه السلام بوده است.

بی‌هیچ گفتگو، شاخص‌ترین و برجسته‌ترین دانشمند، خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲ق) بود. فیلسوف و فرزانه اسماعیلی نظری که پس از سی سال خدمت به سنت شیعی اسماعیلی و تولید محصولات حکمی و فلسفی در جوامع قلعه‌نشین اسماعیلیان ایران، در پی تحولات سیاسی منجر به تسخیر قلاع اسماعیلیه و قلع و قمع آنها توسط تاران مغول به امامیان پیوست و منشأ خدمات ژرف و گسترده به جامعه شیعیان اثناعشری شد.

هرچند خواجه در خانواده‌ای دوازده‌امامی زاده شد و تحصیلاتش را در محیطی امامی به پایان رساند، اما مهم‌ترین بهره حیات علمی و معرفتی‌اش را به مدت سی سال میان نزاریان سپری نمود که شاید پربارترین مرحله زندگی او باشد. از این منظر، شاید بتوان با اندکی تسامح، تحول فکری و مذهبی خواجه را با برادران هارونی در سنت زیدیان ایران (قرن ۵ هجری) که شیخ طوسی در مقدمه کتاب التهذیب بدان اشاره نموده است، مقایسه کرد. در این زمان



است که او توانست رساله‌های بی‌شماری را در نجوم، کلام، فلسفه، ریاضیات، هندسه و دیگر موضوعات تألیف نماید. جایگاه خواجه چنان والا است که هریک از دانشمندان دو جریان شیعی اسماعیلی و امامی (به خصوص پس از سقوط بغداد) او را به مثابه اندیشمند و نظریه‌پرداز هم‌کیش خود قلمداد کرده‌اند. خواسته دانشمندان دوازده‌امامی قرون میانه که با اصرار هرگونه ارتباط بین او و اسماعیلیه و انتساب تصنیفات او را - که در بین اسماعیلیان نزاری رایج و محفوظ مانده - انکار کرده است و اقدامات و فعالیت‌های چشم‌گیر علمی چند دهه وی در جهت تعالی و تعمیق سنت‌های تفکر اسماعیلی را از سر تقیه و ترس از جان دانسته‌اند. موضوعی که آثاری همچون اخلاق ناصری و اخلاق محتشمی و از همه مهم‌تر زندگینامه خودنوشت وی موسوم به رساله سیر و سلوک این انگاره را نفی می‌کند.

خواجه پس از پیوستن به مغول و هنگامی که محتاج حمایت آنان بود، هم‌بستگی خود با شیعیان دوازده‌امامی را تأیید و چند رساله کلامی در راستای عقاید آنها همچون تجرید الاعتقاد - که تلفیقی از عقاید بنیادی امامیه با فلسفه ابن‌سینا می‌باشد - را به رشته تحریر درآورد. احتمالاً در اثر همین چرخش بود که رفته‌رفته از هویت اسماعیلی خود فاصله گرفت و دیباچه نخستین تقدیم اخلاق ناصری را تغییر داد.

بنابراین، نقش و تأثیر دانشمند جامعی همچون خواجه در نظام فکری کلامی و حتی فقهی امامیه، چنان ژرف است که اگر تاریخ تطور علم و معرفت در میان شیعیان امامی را به پیش و پس از حیات او تقسیم کنیم، گزاف نخواهد بود. ابتکاراتی چون تدوین کلام فلسفی امامیه، تصویر گفتمان سیاسی شیعی در عصر پسا خلافت عباسی و... را می‌توان نمود برجسته تاریخی پیوند ظرفیت‌های دو جریان شیعی دانست.

۲. رویکرد معاصر

پس از انشعاب بزرگ درونی فاطمیان در پی درگذشت المستنصر بالله (هشتمین خلیفه فاطمی مصر) در ۴۸۷ ق. اسماعیلیه به نزاریان و مستعلویان تقسیم شدند. نزاریان که به نزار، فرزند ارشد المستنصر باور داشتند، پس از به قدرت رسیدن برادر کوچک‌ترش، مستعلی (نهمین خلیفه فاطمی)، به مناطق مختلف کوچ کرده و در نقاطی همچون شام، یمن، ایران، ماوراءالنهر، شبه‌قاره هند، کنیا، تانزانیا و اوگاندا مستقر شدند. آنها در ایران، طی سده‌های مختلف به صورت سنتی در کنار شیعیان امامی به‌گونه مسالمت‌آمیز زیسته‌اند.



برخی از جامعه فارسی زبان ایشان همچنان امروزه در افغانستان و تاجیکستان حضور مؤثری داشته و جملگی آنان پیرو امام زمان خود، «کریم آقاخان چهارم» هستند که اگرچه اصلیتی ایرانی داشته، ولی در ژنو زاده و در پاریس بالیده است. این مسئله صرف نظر از جغرافیای سیاسی موجود که در گذشته شامل ایران و خراسان تاریخی می شده است، بستر مناسبی برای یگانگی فرهنگی، زبانی و پیوندهای تاریخی براساس میراث مشترک زبان فارسی میان ایرانیان امامی مذهب و اقلیت‌های اسماعیلی به وجود می آورد. به عنوان نمونه، اسماعیلیان خطه و اخان بدخشان که در سرحدات ایغورستان یا ترکستان شرقی (ایالت شین جیانگ چین) قرار داشتند، همواره در طی تاریخ به مثابه حلقه اتصال میراث، گویش‌ها و گاه زبان‌های خاموش ایرانی بوده و از این راه بسیاری از آثار گم شده و مفقود ایران و اسلام را برای ترجمه به زبان ایغوری و یا گویش سُغدی (از شاخه بان‌های ایرانی) دره زرافشان تاجیکستان و ازبکستان میزان قابل توجهی از سنت‌های فرهنگی ایران شرقی را حفظ نمایند (زبان‌های خاموش یوهانس فردریش، ترجمه یدالله ثمره و مرحوم استاد دکتر بدرالزمان قریب). در هند و سند، خوجه‌های امامی مذهب در کنار خوجه‌های آقاخانیه بهره‌های مستعلوی - طیبی که اصالتاً هندوتبار بوده‌اند و زیرشاخه‌های آن، نمونه یک جامعه آرام و بی تنش را به تصویر کشیده‌اند.

صرف نظر از کژی‌ها و ناستواری برخی باورهای نزاریان آقاخانیه، ثروت، امکانات انبوه و شبکه گسترده تجاری و بازرگانی در قاره‌های پنج‌گانه جهان، شیعیان نزاری را برای رفع برخی تنگناها در چشم جامعه امامی مذهب به صورت یک فرصت بازمینه مذهبی مشترک ترسیم می‌کند. کریم آقاخان چهارم که چهل و نهمین امام اسماعیلیان و با شهرت «مولانا حاضر امام» از او یاد شده و از تیرماه ۱۳۳۶ ش. تاکنون امامت اسماعیلیان را برعهده دارد، در کنار احداث صدها مدرسه، دانشگاه، فرهنگستان، موزه، نهاد فرهنگی و مؤسسه اقتصادی که در کشورهای گوناگون بنیاد نهاد، شبکه توسعه آقاخان (development network = akdn) را نیز پایه‌گذاری کرد و به صورت گسترده در سراسر جهان در حال فعالیت است و به عنوان یکی از موفق‌ترین نهادهای توسعه و خیریه شناخته می‌شود. البته بیشتر فعالیت‌های خیریه و توسعه‌ای آقاخان در کشورهای فقیر است. با این همه، وی و گروه همکارانش به واسطه همین فعالیت‌های گسترده اقتصادی، تجاری، فرهنگی و اجتماعی همچون شاه یا رئیس جمهوری بی کشور می‌باشد. اما



نهادهای زیر نظر او با ده‌ها هزار کارمند در بیش از پنجاه کشور جهان فعالیت می‌کنند. از این رو شیعیان اسماعیلی چه از منظر اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی و دیپلماسی، می‌توانند یاریگر ایران باشند. همان‌طور که جامعه شیعی ایران نیز به‌طور متقابل می‌تواند با ساماندهی هرچه بهتر به امکانات گردشگری و توریسم مذهبی همچون «دژ الموت» (یا آنچنان که خودشان به این زیارتگاه مذهبی می‌گویند: «آشیانه عقاب») یا بازسازی دیوارهای باقی‌مانده «قلعه محلات» و ثبت ملی آن و پذیرایی از گردشگران اسماعیلی و جز آن و ساختن فیلم‌ها و مستنداتی از مشاهیر، ابنیه و آثار آنان، زمینه مفاهمه و نزدیکی بیشتر را فراهم کند.

علویان (اسماعیلیه دروزی) و نصیریان شام و ترکیه نیز که در طول تاریخ نسبتاً طولانی و گاه پوشیده خود آثار مهمی همچون تحف العقول ابن‌شعبه حرانی، توحید مفضل، هدایة الکبریٰ خُصیبی و... را به معارف جامعه شیعی عرضه نموده و در پُربارشدن تراث شیعی آسان‌گیری چشم‌گیری داشتند، در کنار حضور شیعیان علوی و گاه امامی طبریه، جولان، حیفا و عسقلان (به‌ویژه زیارتگاه «مقام رأس‌الحسین» عسقلان / اشکلون) اسرائیل و سرزمین‌های اشغالی، می‌توانند فرصت و ظرفیتی راهبردی و کم‌مانند برای ایران و گفتمان شیعی آن در مدیترانه شرقی به‌شمار آیند و از همین راه شکل‌گیری دوباره «هلال خصیب شیعی» را فراهم آورند.



رویکردی راهبردی برای حضور فعال تشیع در آینده آفریقا

محمد رضا مرتضوی نیا | ۱۰۱ |

چکیده

کم و بیش در تمام کشورهای جهان، جمعیت شیعه بومی و غیربومی سکونت دارند؛ ولی متأسفانه در بسیاری از آنها، شیعیان حضور فعالی در اجتماع و سیاست ندارند و به طور کلی، چهره تصمیم ساز و اثرگذار در اجتماع نیستند؛ بلکه به عکس، کاملاً منفعل و در جوامع بسته زیست می کنند. این مسئله در آفریقا، شدت بیشتری دارد. یکی از علل آن، استعمار بلندمدت و دهشتناک دهه های گذشته است. یکی از پیش نیازهای تصمیم سازی و اثرگذاری در جامعه، داشتن تحصیلات عالی و دید عمیق نسبت به مسائل می باشد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام القرای اسلامی و تشیع، باید با تغییر در سیاست های خود در جذب دانشجوی خارجی، نسبت به این مسئله نگاهی پدرا نه داشته و با برنامه ریزی دقیق و استراتژیک، دانشجویان متعهد، مؤمن و دانشمند را تربیت کند. این نه تنها به شأنیت بخشی و فعال سازی ظرفیت شیعیان در کشورهای مختلف کمک خواهد کرد، بلکه برای منافع بلندمدت سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران نیز به شدت مثبت و پرفایده خواهد بود.

واژگان کلیدی: آفریقا، شرق آفریقا، تحصیلات تکمیلی، دانشجوی شیعه، اثرگذاری سیاسی اجتماعی، راهبرد حضور